

خوداستنادی در آیینی اخلاق

علی خاجی^{۱*}، سهیل سعادت^۲

مقاله‌ی مروری

چکیده

خوداستنادی رفتاری است که به درجات مختلف در میان پژوهشگران مراکز تحقیقاتی و مجلات علوم پزشکی مشاهده می‌شود. سؤال مطرح این است که آیا خوداستنادی عملی اخلاقی به شمار می‌رود یا خیر. این مطالعه به روش تحلیلی و توصیفی (اسنادی کتابخانه‌ای) انجام گرفته است. از کلید واژه‌های خوداستنادی (self-citation) و اخلاق (ethics)، جهت جمع‌آوری مقالات و مطالب مرتبط استفاده گردید. به‌علاوه تلاش شده با بررسی مقالات به‌دست آمده از پایگاه‌های اطلاعاتی و همچنین کدهای اخلاقی و دستورالعمل‌های مرتبط، پدیده‌ی خوداستنادی مورد ارزیابی اخلاقی قرار گیرد. زمانی که خوداستنادی به منظور درک بهتر و آسان‌تر مطلب نگاشته‌شده توسط خوانندگان انجام شود امری طبیعی و پسندیده و حتی ضروری است اما وقتی که تنها به‌دلیل افزایش ارجاع به مقالات خود باشد، غیرضروری است. از آنجایی که خوداستنادی غیرضروری باعث فریب محققان و سیاست‌گذاران، همچنین ابزاری برای کسب جایگاه غیر واقعی برای افراد و مؤسسات یا مجلات بوده و رقابت ناسالم ایجاد می‌کند؛ غیراخلاقی به‌شمار می‌رود. به‌علاوه اجبار نویسندگان به استفاده از مقالاتی که دلیل علمی برای ذکر آن‌ها در منابع نیست عملی ناصحیح و غیراخلاقی است. بازنگری در روش ارزشیابی افراد، مجلات و مراکز تحقیقاتی به منظور حذف نمودن خوداستنادی غیرضروری و همچنین اطلاع‌رسانی مناسب می‌تواند در کاستن از خوداستنادی غیرضروری مؤثر واقع شود. درصد میزان خوداستنادی و گزارش آن پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: اخلاق در انتشارات، اخلاق در پژوهش، خوداستنادی

^۱ دانشجوی PhD اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ استادیار، مرکز تحقیقات تروما و جراحی بیمارستان سینا، دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۲۳، طبقه‌ی چهارم، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۹۶۶۱، Email: akhaji@razi.tums.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر با رشد فزاینده‌ی تعداد مجلات و به طبع آن مقالات به چاپ رسیده در کشور مواجه هستیم. به‌علاوه، تعداد مقالات علمی به چاپ رسیده از سوی پژوهشگران و اساتید ایرانی در مجلات خارج از کشور نیز افزایش داشته است (۱). این اعتقاد وجود دارد که استناد به مقالات چاپ شده در مجلات علمی، نشان از پویایی ارتباط علمی در جامعه بوده و در توسعه‌ی علمی رشته‌ی مربوطه تأثیرگذار خواهد بود. یکی از فاکتورهای مطرح در ارزشیابی کمی و کیفی مقالات به چاپ رسیده میزان استناد به آن‌ها است.

در خصوص استناد به مقالات و تولیدات علمی با پدیده‌ای به‌نام خوداستنادی^۱ مواجه هستیم که به چند دسته تقسیم می‌شود. شکل شایع آن خوداستنادی توسط نویسنده‌ی اثر است و زمانی اتفاق می‌افتد که نویسنده‌ی یک اثر (مقاله، کتاب و غیره) به نوشته‌های پیشین خود (اعم از مقاله، کتاب و غیره) استناد کند (۲). گاهی اوقات پیش می‌آید که نویسندگان همکار و نه نویسنده‌ی اول به یک اثر استناد می‌کنند که به آن خوداستنادی پنهان^۲ گفته می‌شود. در حالت دوم یک مؤسسه یا مرکز تحقیقاتی از مقالات منتشرشده‌ی خود به‌عنوان رفرنس در مقالات جدید استفاده می‌کند. مجلات علمی نیز دست به خوداستنادی^۳ می‌زنند که به دو روش انجام می‌پذیرد. در خوداستنادی اجباری^۴ سردبیر مجله از نویسنده‌ی مقاله می‌خواهد که در مقاله خود از مقالات به چاپ رسیده در آن مجله به‌عنوان ارجاع استفاده کند و گاهی این خواسته یکی از شروط پذیرش مقاله‌ی ارسال شده است. در روش دیگر، دو مجله با توافقی که انجام می‌دهند، هر یک از مقالات به چاپ

رسیده‌ی دیگری در مقالات آتی خود به‌عنوان ارجاع استفاده می‌کند که به آن استناد انباشته^۵ گفته می‌شود (۴، ۳). خوداستنادی مراکز تحقیقاتی^۶ بدین شکل است که آن‌ها سعی می‌کنند تا مقالات چاپ شده به‌نام آن مراکز را به‌عنوان رفرنس در مقالات بعدی خود مورد استفاده قرار دهند. حال سؤال این است که چرا افراد و مراکز تحقیقاتی یا مجلات علوم پزشکی دست به خوداستنادی می‌زنند و آیا این گونه خوداستنادی عملی اخلاقی به‌شمار می‌رود یا خیر؟ در این مقاله سعی می‌شود به این سؤال پاسخ مناسبی داده شود.

روش کار

مطالعه‌ی حاضر از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است. این مطالعه با بررسی منابع فارسی و انگلیسی به ترتیب در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus, Google scholar, PubMed, magiran, SID, Iranmedex است. از کلید واژه‌ی خوداستنادی (self-citation) و اخلاق (ethics)، جهت جمع‌آوری مقالات و مطالب مرتبط استفاده شد. مقالاتی مورد بررسی قرار گرفت که به سه مقوله‌ی ذیل پرداخته بودند: ۱- میزان خوداستنادی ۲- علل خوداستنادی و ۳- دیدگاه‌های اخلاقی نسبت به خوداستنادی. علاوه بر اطلاعات به دست آمده، سعی شده است با جست‌وجو و جمع‌آوری کدهای اخلاقی که به مقوله‌ی انتشار نتایج تحقیقات و مطالعات پزشکی پرداخته‌اند، ارزیابی مطالب مورد بررسی، کامل شود. جست‌وجوی مقالات بدون محدودیت زمانی بوده و انجام آن در بهار سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است.

مطالعات پیشین

در سال‌های اخیر مطالعاتی چند برای بررسی میزان خوداستنادی در میان محققان و مجلات پزشکی انجام شده

¹ Self-citation

² Hidden citation

³ Journal citation

⁴ Coercing-citation

⁵ Citation stacking

⁶ Institute citation

۵۴ عنوان مجله به ۲۶/۱ درصد می‌رسد (۱۰). در مطالعه‌ی مهرداد و همکاران (۱۱) وضعیت خوداستنادی در مجلات علوم پزشکی نمایه‌شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام بین سال‌های ۸۶-۱۳۸۰، ۲۱/۹۳ درصد است. این مجلات ابتدا بر اساس استنادهای صورت گرفته رتبه‌بندی شده و در بار دوم با حذف موارد خوداستنادی رتبه‌بندی مجدد صورت گرفت که تغییرات به‌وجود آمده قابل توجه است به گونه‌ای که ۳۲/۴ درصد مجلات دارای رتبه‌ی نزولی و ۶۳/۱ درصد دارای رتبه‌ی صعودی بودند. به‌علاوه، رتبه‌ی ۵/۵ درصد تغییر نیافت. نتایج مشابه در مقالات پیشین که به بررسی خوداستنادی در میان پژوهشگران و مجلات علوم پزشکی کشور پرداخته بودند گزارش شده است (۸-۱۰). در مطالعه‌ی میزان خوداستنادی در میان مجلات ایرانی و ترکیه‌ای مورد مقایسه قرار گرفت. این مطالعه بر اساس گزارش استنادی مجلات در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۵ تهیه شد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که میزان خوداستنادی مجلات ایرانی روند افزایشی داشته و از ۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است. اما در مورد مجلات ترکیه‌ای میزان خوداستنادی از ۲۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است (۱۲).

میانگین خوداستنادی در میان نویسندگان در محدوده‌ی کم‌تر از ۱۰ درصد تا ۸۰ درصد متغیر است (۱۳). در مطالعه‌ی انجام شده در مورد مقالات مربوط به دیابت در سامانه‌ی ISI (Web of Science) نشان داده شد که میزان خوداستنادی نویسندگان به‌طور متوسط ۱۸ درصد است (۱۴). Kulkarni و همکاران (۱۵)، مقالات چاپ شده در سه مجله‌ی طب عمومی (Lancet, JAMA, New England Journal of Medicine) که دارای ضریب تأثیر بالایی هستند و در فاصله‌ی زمانی اکتبر ۱۹۹۹ تا ۳۱ مارچ ۲۰۰۰ به چاپ رسیده‌اند را مورد بررسی قرار دادند. نتایج به‌دست آمده از این بررسی نشان داد که خوداستنادی در میان نویسندگان به‌طور

است. نکته‌ی مهم در این خصوص آن است که آیا این خوداستنادی صورت گرفته ضروری بوده یا به‌دلایل دیگری انجام شده است؟ تعیین این مطلب که خوداستنادی انجام شده واقعا نیاز بوده یا خیر غیرممکن به‌نظر می‌آید. لذا از شاخص‌های کمی برای این منظور استفاده می‌شود. البته در این مورد نیز اتفاق نظر وجود ندارد اما مؤسسه‌ی اطلاعات علمی^۱ که هر ساله به انتشار ضریب تأثیر^۲ مجلات اقدام می‌کند خوداستنادی کم‌تر از ۲۰ درصد را موجه می‌شمارد و بر این اساس مجلاتی را که خوداستنادی بیش از این میزان داشته باشند را از تعیین ضریب تأثیر محروم می‌کند و نام آن مجله را در لیست منتشر شده‌ی خود قرار نمی‌دهد (۶، ۵).

در خصوص وضعیت خوداستنادی در میان نویسندگان و مجلات ایرانی باید گفت که بررسی‌های مختلف حاکی از شایع بودن آن دارد و این امر در تمامی رشته‌های تخصصی از جمله مقالات علوم پزشکی مشاهده می‌شود (۷). مطالعه‌ی انجام شده توسط قانع حاکی از آن است که خوداستنادی در میان مجلات فارسی زبان علوم پزشکی کشور ۶۱/۵ درصد است (۸). قاضی میر سعید و همکاران میزان خوداستنادی را در میان ۱۲ نفر از نویسندگان پرکار ایرانی در حوزه‌ی پزشکی مورد بررسی قرار دادند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان داد که نویسندگان مورد بررسی به‌طور متوسط دارای ۲۵/۸۹ درصد خوداستنادی هستند. به‌علاوه، تعداد سه نفر از ایشان، میزان خوداستنادی بیش‌تری داشته و فاصله‌ی زیادی نسبت به دیگران دارند (۹). نتایج مطالعه‌ی دیگری که به بررسی مجلات و مقاله‌های حیطه‌ی علوم پایه با دسترسی آزاد که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ میلادی در دو پایگاه اطلاعاتی مؤسسه‌ی اطلاعات علمی و راهنمای مجلات دسترسی آزاد نمایه‌شده^۳ بودند نشان می‌دهد که میزان خوداستنادی مولف در ۸ عنوان مجله‌ی مورد بررسی ۳۶ درصد است و خوداستنادی مجله در

^۱ Institute for Scientific Information (ISI)

^۲ Impact factor (IF)

^۳ Directory of Open Access Journals (DOAJ)

متوسط ۶/۵ درصد است. مطالعات مختلف نشان داده است که بیش‌ترین میزان خوداستنادی در سال اول چاپ مقاله صورت می‌گیرد و با گذشت زمان از میزان آن کاسته می‌شود (۱۸-۱۶).

به‌علاوه، میزان خوداستنادی در میان مجلات علوم پزشکی با توجه به رشته‌ی تخصصی مجلات یا نویسندگان متغیر است (۱۳، ۱۹). در گزارش سال ۲۰۰۲ مؤسسه‌ی اطلاعات علمی بیان شده است که از میان ۵۸۷۶ مجله‌ی مورد بررسی، ۸۲ درصد دارای خوداستنادی به میزان ۲۰ درصد یا کم‌تر از آن بوده و ۱۰۶۰ (۱۸ درصد) مجله‌ی دیگر خوداستنادی بیش از آن داشتند که در این گزارش از آن به‌عنوان خوداستنادی بالا نام برده شده است (۶). Sanni و همکاران در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که میزان خوداستنادی مجله‌ی پزشکی مالزی در میان ۵۸۰ مقاله‌ای که در فاصله سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۴ به چاپ رسیده‌اند تنها ۲/۴۹ درصد است. به‌عبارت دیگر، تنها ۹۰ (۱۵/۵ درصد) مقاله به مقالات چاپ شده در همان مجله استناد کرده‌اند (۲۰).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مجلات و مقالات چاپ شده به زبان‌های ملی بیش‌تر از زبان‌های بین‌المللی دست به خوداستنادی می‌زنند (۱۹). میزان خوداستنادی در میان مقالاتی که توسط پژوهشگران چینی در مجلات علوم پزشکی چینی‌زبان و مجلات بین‌المللی به چاپ رسیده است توسط Yang (۲۱) و همکاران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که خوداستنادی مجلات در مجلات چینی‌زبان بیش از مجلات بین‌المللی (انگلیسی) است. خوداستنادی در میان مراکز پژوهشی نیز امری رایج است. یک بررسی سه ساله از میزان خوداستنادی در مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌های آمریکا در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۷ نشان می‌دهد که میانگین خوداستنادی این مراکز در مجموع ۱۹ درصد بوده که بیش‌ترین آن با ۲۹ درصد مربوط به سال اول پس از چاپ مقالات است و در سال‌های بعد به‌ترتیب به ۱۹

درصد و ۱۸ درصد رسیده است (۲۲).

علل و تأثیرات خوداستنادی

عوامل مختلفی در وقوع پدیده‌ی خوداستنادی مؤثر هستند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد وقتی مقاله‌ی تهیه شده مرتبط با کارهای قبلی نویسنده باشد، طبیعی است که برای راهنمایی و روشن نمودن دقیق یافته‌های جدید خود به کارهای قبلی استناد کند؛ بنابراین، تا حدی که به روشن شدن مطالب برای خوانندگان و داوران مجلات کمک کند نه تنها اشکالی ندارد بلکه الزامی نیز است. برخی از نویسندگان برای افزایش تعداد ارجاعات به مقاله‌ی خود دست به خوداستنادی غیرضروری می‌زنند. گاهی اوقات نیز که مقاله توسط چندین نفر به نگارش درآمده باشد، خوداستنادی قابل توجه یکی از نویسندگان به آن مقاله می‌تواند همان اثری را که برای نویسنده‌ی انجام‌دهنده‌ی خوداستنادی دارد، برای دیگر نویسندگان نیز به همراه داشته باشد؛ بدون این‌که نویسندگان دیگر اقدامی به این منظور انجام داده باشند. شرایط دیگری که در وقوع خوداستنادی نویسنده می‌تواند دخیل باشد انجام کارهای مشترک بین کشورهاست. همکاری تعداد زیادی پژوهشگر یا چندین مؤسسه‌ی پژوهشی و دانشگاهی در طرح‌های مشترک بین کشورها می‌تواند باعث خوداستنادی شود (۱۷). مقاله‌ای را در نظر بگیریم که دارای ۱۵-۱۰ نویسنده از کشورهای مختلف است. استناد هر یک از این افراد به مقاله‌ی چاپ شده در زمان بسیار کوتاهی باعث افزایش استناد به آن مقاله می‌شود. در چنین شرایطی مجله‌ای که مقاله در آن به چاپ رسیده است نیز با افزایش ارجاع روبه‌رو می‌شود.

از علل مهم خوداستنادی، منتفع شدن نویسنده از امتیازهای حاصل از افزایش استناد به مقاله است. انتفاع حاصل ممکن است مواردی هم‌چون کسب امتیاز برای ارتقاء رتبه‌ی علمی یا شهرت به‌واسطه‌ی رتبه‌ی به‌دست آمده در مقایسه با همکاران خود یا موارد مشابه آن باشد. برخی از قوانین

برای نویسنده یا مجله فراهم می‌کند. درخصوص خوداستنادی مجلات پزشکی علاوه بر نکات ذکر شده باید به دو حالت دیگر اشاره نمود: اولین مورد این‌که در مواردی سردبیران از نویسندگان می‌خواهند از مقالات آن مجلات در ارجاعات مقاله‌ای که برای مجله فرستاده است استفاده کند و این یکی از شروط پذیرش مقاله‌ی ارسالی توسط مجله است. به این خوداستنادی که نویسنده از طرف سردبیران مجبور به انجام آن می‌شود استناد اجباری گفته می‌شود (۲۴). در این حالت عموماً مقالات غیر مرتبط انتخاب می‌شوند، زیرا برای نویسنده تنها انتخاب چند مقاله به منظور راضی کردن مسئولان مجله مدنظر است نه ارتقاء کیفی کار. چنان‌که در مقدمه اشاره شد، خوداستنادی انباشته شکل دیگری از خوداستنادی مجلات است که تنها برای افزایش ضریب تأثیر مجلات صورت می‌گیرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در هر دو حالت خوداستنادی غیرضروری صورت می‌پذیرد.

استناد مؤسسه‌های پژوهشی همانند افراد می‌تواند به دلیل منحصر به فرد بودن یا ارائه‌ی مطلبی جدید و نو در مقاله‌ی به چاپ رسیده توسط پژوهشگران آن مؤسسه باشد. از سوی دیگر، گاهی نیز تنها به منظور افزایش استنادها و آن هم به دلیل تأثیر آن در رتبه‌بندی مراکز تحقیقاتی صورت می‌گیرد. در سیستم ارزشیابی موجود در کشور ما، شرایط برای انجام چنین خطایی مهیاست. در ارزشیابی مراکز تحقیقاتی علوم پزشکی، استناد به کارهای پیشین که در آن آدرس نویسنده‌ی اول یا نویسنده‌ی رابط مربوط به مرکز پژوهشی مورد نظر باشد دارای امتیاز بوده و بخش قابل توجه‌ای از امتیاز کل مراکز تحقیقاتی را در ارزشیابی سالانه به خود اختصاص می‌دهد. به‌علاوه، در راهنمای مربوط به ارزشیابی مراکز تحقیقاتی با صراحت به امتیاز حاصل از خوداستنادی اشاره شده و محدودیتی نیز برای آن قائل نشده است (۲۵).

موجود می‌تواند در افزایش خوداستنادی مؤثر باشند. برای مثال، در دستورالعمل مربوط به ارتقاء اعضای هیأت علمی که در ذیل مشاهده می‌شود خودارجاعی توصیه شده است و عدم انجام آن باعث کاهش امتیاز کسب شده از مقالات می‌شود: مقالات مروری با داشتن حداقل ۳ مقاله از نویسنده در نمایه‌های بین‌المللی معتبر در منابع مقاله مروری از ۲ تا ۷ امتیاز تا حداکثر ۱۰ امتیاز در غیر این صورت (نبودن ۳ مقاله از نویسنده در منابع) از ۰/۵ تا ۲ امتیاز و حداکثر تا ۴ امتیاز (۲۳).

هم‌چنان که در مورد نویسندگان ذکر شد زمانی که یک مقاله از کیفیت بالایی برخوردار است یا دارای موضوعی تازه و منحصر به فرد است، ارجاع زیاد به آن، باعث افزایش استناد به مجله نیز می‌شود که امری طبیعی و توجیه‌پذیر است. گاهی نیز به یک دلیل جامعه‌شناختی این عمل صورت می‌گیرد و آن زمانی است که پژوهشگر با مجله‌ی خاصی آشنایی دارد، لذا بیش‌تر مقالات خود را برای چاپ به آن مجله می‌فرستد و این امر باعث افزایش خوداستنادی مجله می‌شود (۶). مورد دیگری که می‌تواند باعث خوداستنادی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه شود، دسترسی رایگان^۱ به متن مقالات است. امروزه، چاپ و انتشار مقالات و کتب پزشکی تجارت قابل توجه‌ای به‌شمار می‌رود. به همین دلیل برای تهیه‌ی مقالات برخی از مجلات باید هزینه پرداخت شود. بسیاری از افراد و مؤسسات در کشورهای در حال توسعه توانایی تأمین هزینه‌ی مالی لازم برای تهیه‌ی این‌گونه مقالات را ندارند. لذا به‌سوی مقالاتی می‌روند که امکان دسترسی به متن کامل آن‌ها وجود داشته باشد. بر این اساس، مقالات خود نویسنده در دسترس‌ترین مقالات است. مقالاتی که در مجلات داخلی هر کشور به چاپ می‌رسند نیز به‌راحتی در دسترس هستند و بالاخره مجلات خارجی که دسترسی رایگان به مقالات آن‌ها میسر است. این شرایط مقدمه‌ی خوداستنادی را

^۱ Open access

بحث اخلاقی

هدف از ارجاع به مقالات این است که آشنایی با کارهای علمی پیشین نویسنده و پژوهشگران دیگر که در راستای نکات مطرح در مقاله است باعث درک سریع‌تر و بهتر مطالب ذکر شده در مقاله شود (۲۷، ۲۶). کارهای علمی که مورد استناد قرار می‌گیرند قرار است که به بیان دقیق تئوری‌های موجود و مورد بحث مقاله پردازند. هم‌چنین، به نویسنده در تنظیم سؤال‌های پژوهشی، روش مطالعه یا تنظیم مسائل مطرح در بحث کمک کند. اما ارجاع به کارهای غیر مرتبط یا کارهایی که از حیث علمی کمکی به خوانندگان برای درک بهتر مطلب نمی‌کند، لزوم استفاده از این منابع با چالش روبه‌رو شده و این احتمال را مطرح می‌کند که شاید هدف از آوردن این منابع مسائل دیگری هم‌چون افزایش استناد به آن‌ها به دلایل غیر علمی باشد.

استفاده‌ی مجلات مراکز تحقیقاتی و پژوهشگران از خوداستنادی غیرضروری به منظور افزایش ضریب تأثیر انجام می‌شود. همان‌طور که در سایت اطلاعات علمی مکرراً تذکر داده شده است ضریب تأثیر تنها یک فاکتور کمی برای اطلاع از میزان استناد به مقالات و کارهای علمی بوده و به هیچ‌وجه قابل استفاده برای قضاوت در مورد کیفیت یک کار علمی نیست، با این همه، آنچه در عمل اتفاق می‌افتد آن است که ضریب تأثیر به‌عنوان یک فاکتور کیفی در میان مراکز علمی و پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بسیاری در برخورد با مقالات و مجلاتی که از ضریب تأثیر بالایی برخوردار هستند یا روند رو به افزایش دارند، تصور اولیه‌شان آن است که مسائل مطرح شده در این مقاله یا مجله در قیاس با موارد مشابه از همان کشور یا منطقه دارای اعتبار بیشتری از حیث طراحی، قابل اعتماد بودن اطلاعات، نوع اطلاعات مطرح و پوشش مناسب سوژه‌ی مورد بررسی است. لذا پژوهشگران سعی می‌کنند که مقالات خود را برای چاپ به مجلاتی که ضریب تأثیر بالاتری دارند بفرستند یا از مقالات به چاپ

رسیده در این مجلات به‌عنوان ارجاع در مقالات خود استفاده کنند. در نتیجه، اعتبار غیرواقعی به‌وجود آمده باعث می‌شود تا پژوهشگران از دسترسی به مقالات و کارهای علمی معتبرتر و مفیدتر باز بمانند. درحقیقت، ایجاد اعتبار کاذب برای افراد، مجلات یا مراکز تحقیقاتی باعث فریب پژوهشگران و مجموعه‌هایی می‌شود که این نوشته‌ها را مبنای طراحی پژوهش‌های بعدی یا تصمیم‌گیری در حیطه‌ی اجرایی قرار می‌دهند؛ لذا به‌دلیل فریب دادن و به اشتباه انداختن افراد عمل غیراخلاقی محسوب می‌شود (۲۸).

نکته‌ی دیگری که در خصوص مجلات مطرح است مجبورکردن نویسندگان برای استفاده از مقالات پیشین آن مجله به‌عنوان منبع برای پذیرش مقاله‌ی ارسال شده به مجله مذکور است. در این‌جا دو خطا صورت می‌گیرد: ۱- انجام خوداستنادی غیرضروری و مفید ۲- اجبار نویسنده به انجام یک عمل اشتباه و خطا. اجبار افراد برای استناد به مقالاتی که منظور نظر نویسنده نبوده است، یعنی اجبار فرد به یک عمل ناخواسته، رفتاری غیراخلاقی به‌شمار می‌رود.

خوداستنادی می‌تواند بر رتبه‌بندی مؤسسات، مجلات یا ارتقاء پژوهشگران و اعضای هیأت علمی تأثیر بگذارد. امتیازاتی که بر اساس استناد به نوشته‌ها برای افراد و سازمان‌ها و مؤسسات کسب می‌شود می‌تواند باعث شود تا آن‌ها در یک رقابت ناسالم با همکاران خود از امتیازهایی که سزاوار آن نیستند برخوردار شوند.

در مجموع، می‌توان بیان کرد که استناد به خود از هر نوعی که باشد در صورت غیرضروری بودن، از این نظر که باعث فریب دادن افراد و سردرگمی آن‌ها می‌شود غیراخلاقی به‌شمار می‌رود. این عمل در تعارض کامل با اخلاق حرفه‌ای است. درستی، صداقت و راستگویی یکی از صفات و اصول اخلاق حرفه‌ای است که کلیه‌ی شاغلان به حرفه‌ی پزشکی و گروه‌های وابسته ملزم به رعایت آن هستند.

نتیجه‌گیری

خوداستنادی به منظور راهنمایی خوانندگان و داوران در درک هرچه بهتر و سریع‌تر نتایج یک پژوهش است لذا تا زمانی که به این منظور انجام پذیرد امری منطقی و الزامی نیز به‌شمار می‌رود. اما زمانی که هدف از انجام آن تنها افزایش استناد به مقالات یا ایجاد اعتبار کاذب برای نویسندگان، مراکز تحقیقاتی و مجلات است، از آنجایی که باعث فریب افراد و مؤسسات تحقیقاتی می‌شود، غیراخلاقی به‌شمار می‌رود. به‌علاوه، این عمل در تقابل کامل با اصول اخلاق حرفه‌ای هم‌چون صداقت و راستگویی است.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان خوداستنادی بالا است و این حاکی از تمایل نویسندگان و مجلات علوم پزشکی کشورمان به خوداستنادی است. به‌نظر می‌رسد اقدامات ذیل در کاهش خوداستنادی غیرضروری مؤثر واقع شود:

۱- یکی از دلایل اقدام به این عمل می‌تواند عدم آگاهی یا توجه نویسندگان و سردبیران و مسئولان مراکز تحقیقاتی نسبت به موضوع باشد. لذا اطلاع‌رسانی در این خصوص ممکن است به کاهش این امر کمک کند.

یکی از منابع در دسترس در این خصوص راهنمای کشوری اخلاق در انتشار آثار پژوهشی علوم پزشکی است؛ متأسفانه، در این راهنما هیچ اشاره‌ای به خوداستنادی نشده است؛ چه در خصوص نویسندگان و چه در مورد سردبیران مجلات علوم پزشکی یا مراکز تحقیقاتی (۲۹). گنج‌نابین بحث خوداستنادی و ذکر غیراخلاقی بودن آن در این راهنما می‌تواند راهی برای آگاهی پژوهشگران و سردبیران و احتمالاً کاهش خوداستنادی غیرضروری باشد.

۲- بازنگری در نحوه‌ی ارزشیابی مراکز تحقیقاتی و پژوهشگران در قسمتی که به استناد به مقالات مدنظر است. نشان‌دادن اثر نامطلوب خوداستنادی در رتبه‌بندی مراکز تحقیقاتی می‌تواند در پیشگیری مفید واقع شود. به‌عنوان مثال، ارائه‌ی رتبه‌بندی مراکز در دو حالت (با و بدون محاسبه‌ی خوداستنادی) در گزارش سالانه.

در صورتی که دسترسی به مجلات علمی در حیطه‌ی علوم پزشکی برای کلیه‌ی پژوهشگران امکان‌داشته باشد و ایشان فرصت برابری برای یافتن مقالات مورد نیازشان داشته باشند این امر می‌تواند در کاهش خوداستنادی نویسنده و مجله مؤثر باشد.

DOAJ databases. *J Knowledge* 2009; 2(6): 25-33. [in Persian]

11- Mehrad J, Goltaji M. Correlation between journal self-citation and impact factor in medical scientific journals indexed in published journal citation reports of Islamic world science citation database. *Health Form Manag* 2009; 7(3): 251-9. [in Persian]

12- Biglu MH. Tendency towards the self-citation among journals in Iran and Turkey. *Bilgi Dünyası* 2007; 8(2): 297-309.

13- Baethge C. The production and recognition of psychiatric original articles published in languages other than English. *BMC Psychiatr* 2013; 13:102.

14- Gami AS, Montori VM, Wilczynski NL, Haynes RB. Author self-citation in the diabetes literature. *CMAJ* 2004; 170(13): 1925-7.

15- Kulkarni AV, Aziz B, Shams I, Busse JW. Author self-citation in the general medicine literature. *PLoS One* 2011; 6(6): e20885.

16- Maczelka H, Zsindely S. All well if starts well? Citation infancy of recently launched chemistry journals. *Scientometrics* 1992; 25(2): 367-72.

17- Aksnes DW. A macro study of self-citation. *Scientometrics* 2003; 56 (2): 235-46.

18- Aksnes DW. Citation rates and perceptions of scientific contribution. *J Am Soci Inform Sci Tech* 2006; 57(2): 169-85.

19- Sangwal K. Some citation-related characteristics of scientific journals published in individual countries. *Scientometrics* 2013; 97(3): 719-41.

20- Sanni SA, Zainab AN. Publication productivity and citation analysis of the medical journal of Malaysia: 2004 – 2008. *Med J Malaysia* 2012; 67(1): 52-9.

21- Yang ZG, Gao F, Zhang CT. Comparison of journal self-citation rates between some Chinese and Non-Chinese

منابع

1-Kharabaf S, Abdollahi M. Science growth in Iran over the past 35 years. *J Res Med Sci* 2012; 17(3): 275-9.

2-Fowler JH, Aksnes DW. Does self-citation pay? *Scientometrics* 2007; 7(3): 427-37.

3-Tiew WS. Characteristics of self-citations in journal of Natural Rubber Research 1988-1997: a ten-year bibliometric study. *Malaysian J Lib Inform Sci* 2000; 5(1): 95-104.

4-Hartley J. On the need to distinguish between author and journal self-citations. *Scientometrics* 2009; 81(3): 787-8.

5-Van Noorden R. 66 Journals banned for boosting impact factor with self-citations. <http://blogs.nature.com/news/2013/06/new-record-66-journals-banned-for-boosting-impact-factor-with-self-citations.html> (accessed in 2013)

6-Anonymous. Journal self-citation in the journal citation reports; science edition (2002). <http://wokinfo.com/essays/journal-self-citation-jcr/> (accessed in 2013)

7-Nazarian S, Atapour H, Noroozi Chakli A. High rate of citation in multi authors in comparison with single authors in Iranian papers: is this related to a special period of time? *J Sci Inform Technol Iran* 2012; 27(4): 945-960. [in Persian]

8-Ghane MR. Correlation between self-citation and impact factor in Persian journal citation report's medical journals. *Health Inform Manag J* 2009; 6(1): 53-64. [in Persian]

9-Ghazimirsaeid S, Hemmat M, Dargahi H, Khansari J. Self-citation status of Iranian prolific authors in the field of medicine and its impact on the Hirsch index in web of science database. *Payavard* 2011; 4(3 and 4): 67-76. [in Persian]

10- Torabian R. Studying the relation between self-citation and impact factor in open access journals indexed in ISI and

- 26- Anonymous. Instructions for completing the activity evaluation form for Medical Research Centers. <http://hir.umsha.ac.ir/uploads/arzeshyabi90.pdf> (accessed in 2013). [in Persian]
- 27- Anonymous. Guidelines of the Optical Society (OSA) concerning ethical practices in the publication of research. http://www.opticsinfobase.org/submit/review/ethical_guidelines.pdf (accessed in 2013).
- 28- Anonymous. ASME ethical standards. <https://www.asme.org/shop/proceedings/conference-publications/ethical-standards> (accessed in 2013).
- 29- Kaboudin B, Zolfigol MA, hajiazizi B. Publication ethics Charter, dos and don'ts. *J Rahyaf* 2010; 45: 4-16. [in Persian]
- international journals. *PLoS One* 2012; 7(11): e49001.
- 22- Hendrix D. Institutional self-citation rates: a three year study of universities in the United States. *Scientometrics* 2009; 81(2): 321-31.
- 23- Anonymous. Regulations to promote faculty research and training members from institutions and universities of medical sciences. <http://rco.tums.ac.ir/superusers/9/Gallery/20130115112112AyeenErtegha.pdf> (accessed in 2013). [in Persian]
- 24- Opthof T. Inflation of impact factors by journal self-citation in cardiovascular science. *Neth Heart J* 2013; 21(4):163-5.
- 25-

Is self-citation ethical?

Ali Khaji^{*1}, Soheil Saadat²

¹ PhD Candidate in Medical Ethics, Medical Ethics and History of Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;

² Assistant Professor, Trauma and Surgery Research Center, Sina Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Self-citation is a behavior that is seen to varying degrees in researchers, research centers and medical journals. The question is whether self-citation is moral or not.

This is a descriptive and analytical study (library and document research). Two main keywords (self-citation and ethics) were used for searching databases. In addition, efforts have been made for moral evaluation of self-citation by review articles from databases, ethical-codes and related guidelines.

When self-citation is employed to drive readers to a better and easier understanding of an article, it is acceptable and even necessary, but when it is done mainly to increase reference to one's articles, it is non-essential. Since unnecessary self-citation could mislead researchers and policymakers, bring false prestige for individuals, institutions and magazines, and create unhealthy competition among researchers, it is immoral. Moreover, forcing authors to use an article as reference without a scientific reason is wrong and unethical practice.

Modification of evaluation methods for researchers, magazines and research centers to eliminate self-citation and also appropriately informing them about the ethical aspects of unnecessary self-citation could be effective in reducing this phenomenon. It is recommended to observe and inform the rate of unnecessary self-citation among authors, research centers and journals.

Keywords: self-citation, medical science, Ethics

*Email: akhaji@razi.tums.ac.ir